

تصحیح یک اشتباه تاریخی:

مطالعه‌ای در نشان کلانتری کتابخانه به اسم کمال‌الدین بهزاد

حنیف رحیمی پُردنجانی*

چکیده

نخستین بار متن نشان کلانتری کتابخانه به اسم کمال‌الدین بهزاد، به اهتمام قزوینی و بووا در سال ۱۲۹۸ ش/۱۹۱۴ م و از روی نسخه نامه نامی کتابخانه ملی پاریس منتشر شد و تاریخ صدور آن ۹۲۸ ق و به فرمان شاه اسماعیل اول گزارش شد. از آن پس، قطعیت این گزارش مسلم انگاشته شد و در پژوهش‌های بعدی تکرار گردید. به مرور زمان، از دو متن مجزا و گاهی یکسان با تواریخ متفاوت سخن رفت و این امر باعث ابهاماتی گردید.

مسئله پژوهش حاضر این است که چند متن نشان کلانتری برای بهزاد وجود دارد و در چه تواریخی و توسط چه کسانی صادر شده‌اند؟ این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی سعی دارد با بررسی سیر انتشار متن فرمان و ارتباط شاه اسماعیل با خواندمیر و بهزاد و نیز با تطبیق تاریخ فرمان‌ها در نسخ نامه نامی، پاسخی منطقی به این پرسش بدهد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، فقط یک متن فرمان کلانتری کتابخانه به اسم بهزاد وجود دارد و آن نیز قبل از ۹۱۳ ق و در دربار تیموریان صادر شده است.

کلیدواژه‌ها: نشان کلانتری کتابخانه، فرامین دیوانی، کمال‌الدین بهزاد، سلطان حسین بایقرا، شاه اسماعیل اول، نامه نامی، اشتباه تاریخی

تاریخ دریافت: ۹۹/۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۶

* عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد/ hanif.rahimi@yazd.ac.ir

مقدمه

در خصوص ساختار، نحوه کار، عوامل و سلسله مراتب در کتابخانه‌های سلطنتی ایران، اطلاعات کمی وجود دارد. این اطلاعات به صورت پراکنده در کتب تاریخی، در دیباچه‌ها و رسالات فنی - هنری نمایی کلی از کتابخانه‌ها به دست می‌دهند. از جمله عوامل چنین کتابخانه‌هایی، رئیس یا کلانتر بود که نقشی تعیین‌کننده داشت و طی فرمانی از سوی پادشاه یا حاکم منصوب می‌شد. تعداد رؤسا یا کلانترانی که شناسایی شده‌اند اندک و در نتیجه، اسناد و فرمان‌های موجود نیز بسیار کمیاب‌اند. نخستین سند، عرضه‌داشت جعفر بایسنقری در دوره تیموریان است که در حقیقت گزارشی از عملکرد هنرمندان کتابخانه سلطنتی به شاه است و نشان می‌دهد که مولانا جعفر سمت سرپرست یا کلانتر کتابخانه را داشته است. دیگر سندهای موجود فرمان‌هایی است که در لابه‌لای کتاب‌های ترسل و انشاء یافت شده‌اند. نشان‌های کلانتری نصیرالدین محمد مذهب در دربار سلطان ابراهیم، منصور مصور محتملاً در زمان سلطان ابوسعید گورکان، کمال‌الدین بهزاد در درباری نامعلوم، مولانا حسن بغدادی به احتمال زیاد در زمان شاه تهماسب، و فرمان ناقص و ناتمام رضا عباسی در دوره شاه عباس اول، از معدود اسناد باقی‌مانده است.^۱ در میان این فرمان‌ها - عمدتاً به سبب شهرت شخص بهزاد - نشان کلانتری وی از همه مشهورتر است. پژوهش‌گران، تاریخ صدور آن را ۹۲۸ق و از جانب شاه اسماعیل اول گزارش کرده‌اند. در برخی آثار، سخن از دو فرمان، یکی در زمان شاه سلطان حسین بایقرا و دیگری در زمان شاه اسماعیل اول رفته است؛ گاه با دو متن متفاوت و گاه یکسان، اما هر دو نوشته خواندمیر گزارش شده است. در حقیقت این سند جزء گزیده‌ای از ترسالات دیوانی است که توسط خواندمیر و در فاصله ۹۲۵ق تا ۹۲۷ق نوشته شده است. بنابراین، تاریخ فرمان یک تا سه سال دیرتر ثبت شده است. این مسئله ابهاماتی را جمع به منشأ سند، عمدتاً در

۱. برای عرضه‌داشت جعفر بایسنقری، نک. پارسای قدس، ۱۳۵۶؛ فرمان کلانتری محمد مذهب، نک. شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۸ و رعنا حسینی، ۱۳۵۷؛ فرمان کلانتری منصور مصور، نک. عبدالواسع نظامی، ۱۳۵۷؛ فرمان کلانتری بهزاد، نک. قزوینی، ۱۳۳۲؛ فرمان کلانتری مولانا حسن بغدادی، نک. سهیلی خوانساری، ۱۳۵۲؛ و برای فرمان کلانتری رضا عباسی، نک. همان‌جا.

مورد انتساب آن به شاه اسماعیل اول و زمان صدور، پیش آورده است. پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش است که چند متن فرمان کلانتری کتابخانه برای کمال‌الدین بهزاد وجود دارد و در چه تاریخ‌هایی و از طرف چه کسانی صادر شده‌اند؟

از زمان معرفی و انتشار نشان کلانتری کمال‌الدین بهزاد در ۱۲۹۸ ش/۱۹۱۴ م توسط میرزا محمد قزوینی و بووا، تا کنون در کتاب‌های متعدد تاریخ هنر و نقاشی ایران و در بی‌شمار مقالات داخلی و خارجی، از آن به‌عنوان یک سند تاریخی نام برده شده و کم‌ترین شبهه‌ای به آن راه پیدا نکرده است. تا آن‌جا که نگارنده جست‌وجو کرده است، تا کنون پژوهشی که از منظر انتقادی به این سند پردازد و نسبت به زمان صدور و صادرکننده آن تأملی جدی بکند، صورت نگرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر نخستین تلاش در جهت پرداختن به این مسئله است.

نگارنده بر اساس تحلیل منابع دست اول و مطالعه و ارزیابی اسناد و مدارک، و برقراری ارتباط منطقی بین آنها، سعی در برطرف کردن گسستگی اسناد داشته است تا در نهایت پاسخی مستدل به مسئله پژوهش بدهد. نخست، با دنبال کردن روند انتشار و مطالعات نشان کلانتری بهزاد، یک فرمان یا دو فرمان بودن آن را در دو دوره حکومت، بررسی می‌کند، و سپس با مروری در زندگی خواندمیر و مطالعه گزارش مورخان درباره بهزاد، به بررسی نسبت آن دو با شاه اسماعیل می‌پردازد و در نهایت، با مقایسه تاریخ نشان کلانتری بهزاد و فرمان‌های دیگر در نسخ متعدد نامه‌نامی به پرسش مربوط به تاریخ صدور فرمان کلانتری و صادرکننده آن پاسخ می‌دهد. بدیهی است که برای این مقصود، از منابع دست دوم نیز بهره گرفته می‌شود.

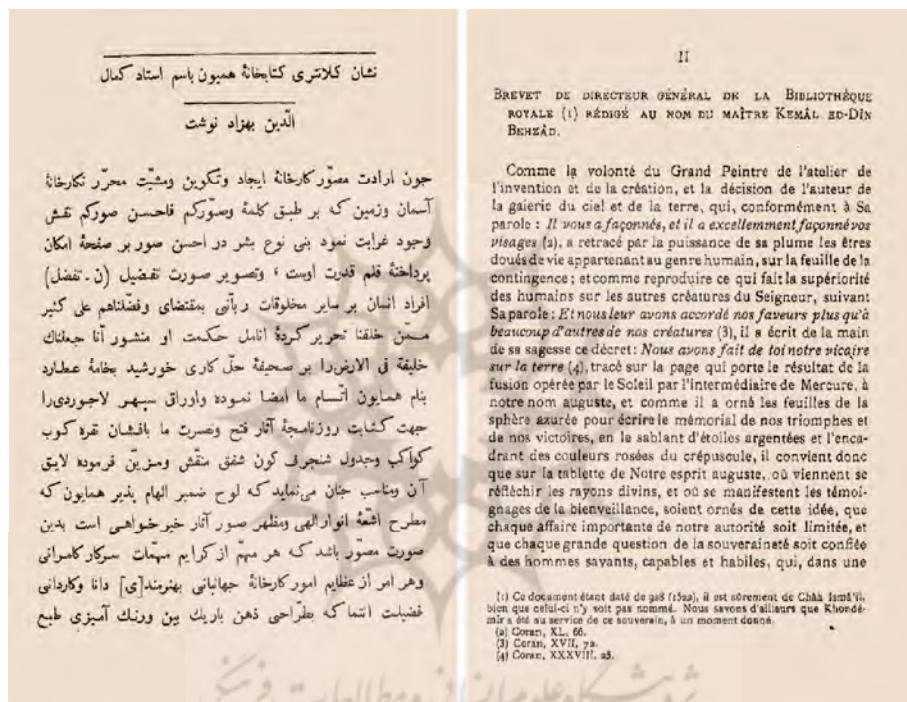
نشان کلانتری بهزاد: یک یا دو فرمان؟

نشان کلانتری بهزاد نخستین بار توسط محمد قزوینی و بووا، در مارس ۱۹۱۴ م/اسفند ۱۲۹۸ ش، در جلد ۲۶ از مجله جهان اسلام^۲ تحت عنوان «دو سند منتشرنشده مربوط به بهزاد»^۳ (ص ۱۴۶-۱۶۱) منتشر شد. این دو محقق، بر اساس نسخه‌ای از نامه‌نامی موجود در

2. Revue Du Monde Musulman.

3. Deux Documents Inédite Relatif à Behzād.

کتابخانه ملی پاریس (به شماره ۱۸۴۲)، «توصیف مرقد بهزاد و نشان کلانتری کتابخانه همیون با اسم استاد کمال‌الدین بهزاد» را همراه با ترجمه فرانسوی معرفی کرده‌اند. در انتهای نشان، تاریخ «۲۸ جمادی الاولی سنه ۹۲۸»، و در پاورقی ترجمه فرانسوی آن آمده است که «این سند به تاریخ ۹۲۸ ق (۱۵۲۲ م)، علی‌رغم این که اسمی نبرده، مطمئناً متعلق به شاه اسماعیل است. می‌دانیم که خواندمیر در آن زمان در خدمت این پادشاه بوده است»^۴ (نک. تصاویر ۱ تا ۴).



تصویر ۱: صفحه اول ترجمه فرانسوی نشان کلانتری بهزاد در مجله جهان اسلام (قزوینی و بسوا، ۱۳۹۸/۱۹۱۴: ۱۵۹/۲۶).
تصویر ۲: صفحه اول نشان کلانتری بهزاد، در مجله جهان اسلام (قزوینی و بسوا، ۱۳۹۸/۱۹۱۴: ۱۵۹/۲۶).

4. Ce document étant daté de 928 (1522), il est sûrement de Châh Ismâ'il bien que celui-ci n'y soit pas nommé. Nous savons d'ailleurs que Khondémir a été au service de ce souverain, à un moment donné.

تصحیح یک اشتباه تاریخی: مطالعه‌ای در نشان کلانتری کتابخانه به اسم کمال‌الدین بهزاد / ۱۳



تصویر ۳: صفحه دوم نشان کلانتری بهزاد، در مجله جهان اسلام (قزوینی و بووا، ۱۳۹۸/۱۹۱۴: ۱۶۰/۲۶).
 تصویر ۴: صفحه سوم نشان کلانتری بهزاد، در مجله جهان اسلام (قزوینی و بووا، ۱۳۹۸/۱۹۱۴: ۱۶۱/۲۶).

در سال ۱۹۲۹م توماس آرنولد^۵ در کتاب ارزشمند خود، نقاشی در اسلام^۶، به نقل از قزوینی و بووا، متن فرمان را به انگلیسی ترجمه کرد (Arnold, 1929: 150-151, app. C) و در آنجا، ضمن تکرار ادعای قزوینی و بووا، عبارت «بنام همایون اّسام ما» را مترادف با شاه اسماعیل دانست.

همچنین در سال ۱۹۳۳م و بر اساس کتابچه راهنمای نقاشی‌ها و کتب خطی نمایشگاه هنر ایرانی که در ماه‌های ژانویه تا مارس ۱۹۳۱م در برلینگتن هاوس برگزار گردید، لارنس بینیون^۷،

5. Thomas Arnold (1864-1930).

6. Painting in Islam.

7. Laurence Binyon.

ویلکینسون^۸ و بازیل گری^۹، کتاب مهم نقاشی ایرانی را با عنوان نقاشی مینیاتور ایرانی^{۱۰} عرضه کردند. در این اثر نیز بر اساس دو منبع قبلی، یعنی قزوینی - بووا و آرنولد، این فرمان را مربوط به سال ۹۲۸ ق (۱۵۲۲ م) دانستند و تأکید کردند که متن مذکور، از طرف شاه اسماعیل و به قلم خواندمیر برای دوستش، بهزاد، نوشته شده است (بینیون و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۸۷-۲۸۸). آرتور اُپهام پوپ^{۱۱} نیز در مجموعه عظیم شش جلدی سیری در هنر ایران (۱۹۳۸-۱۹۳۹)^{۱۲} در بخش نقاشی، با استناد به مقاله قزوینی - بووا، می گوید که شاه اسماعیل در سال ۹۲۸ ق/۱۵۲۲ م بهزاد را رئیس کتابخانه و کارگاه کتاب‌آرایی خود کرد (پوپ، ۱۳۸۹: ۱۰۳). بیست مقاله قزوینی هم که چهار سال پس از درگذشت او (۱۳۲۸ ش/۱۹۴۹) منتشر شد، حاوی عین متن دو سند بهزاد است که در سال ۱۹۱۴ م در پاریس چاپ کرده بود (قزوینی، ۱۳۳۲: ۲۶۷/۲-۲۷۳). پس از آن تقریباً تمامی پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی، هر کدام به یکی از این پنج مرجع و منبع اصلی و قدیمی استناد کرده و تاریخ نشان مورد بحث، یعنی ۹۲۸ ق، و صدور آن را از جانب شاه اسماعیل اول، مسلم انگاشته‌اند.

در میان نویسندگان متأخر، یعقوب آژند در چندین کتاب و مقاله خود به این نشان و تاریخ آن اشاره کرده است. او در کتاب مکتب نگارگری هرات (۱۳۸۷)، زیر عنوان «بهزاد رئیس کتابخانه سلطان حسین بایقرا» آورده است:

تاریخ ورود او به خدمت سلطان، روشن نیست ولی پیداست که این واقعه در اوایل دهه ۸۸۰ ق رخ داده که بهزاد در عنوان جوانی به سر می‌برده است؛ چون می‌دانیم در سال ۸۸۹ ق به ریاست کتابخانه سلطان منصوب شده است (آژند، ۱۳۸۷: ۳۵۶).

او سپس متن نشان را نقل می‌کند و ذیل آن می‌نویسد: «صورت این فرمان را خواندمیر در نامه نامی خود ثبت کرده است» (همان: ۳۵۷). در انتهای نشان هم عبارت «تحریراً فی ۲۷ جمادی الاول سنه ۸۹۸» را به نقل از «یادداشت‌های قزوینی (۱۳۳۲: ۲۶۸/۲-۲۷۳)» درج کرده است. یادداشت‌های قزوینی در ۱۳۶۳ به کوشش ایرج افشار به طبع رسید و همان‌طور که

8. J. V. S Wilkinson.

9. Basil Gray.

10. Persian Miniature Painting.

11. Arthur Upham Pope.

12. A Survey of Persian Art, 6 vols.

در بالا اشاره شد، دو سند در ارتباط با بهزاد در سال ۱۳۳۲ در جلد دوم بیست مقاله قزوینی، در همان صفحات ۲۶۸-۲۷۳ که آژند اشاره کرده، منتشر شده است. به هر حال ظاهراً سهوی به آژند دست داده و منبع او همان بیست مقاله بوده، اما سال ۸۸۹ق نیز با سال ۹۲۸ق که قزوینی آورده مغایرت دارد. از طرف دیگر آژند دو تاریخ ۸۸۹ق و ۸۹۸ق آورده که به احتمال زیاد این نیز اشتباه تاپیی است و بعداً خواهیم گفت منظور وی ۸۸۹ق بوده است. آژند در فصل بعد، یعنی «بهزاد در دوره صفویان»، بدون ذکر منبع، از علاقه شاه اسماعیل در به خدمت گرفتن بهزاد گفته و منظور خواندمیر از «سلاطین انام» و «حکام اسلام» را شاه اسماعیل دانسته است (آژند، ۱۳۸۷: ۳۶۷؛ قس. خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۶۲/۴). وی در ادامه پس از ذکر نظرهای مختلف متخصصان، به این نتیجه می‌رسد که:

بهزاد در هرات تا سال ۹۲۸ق که تهماسب میرزا به تبریز برمی‌گردد، در کنار شاهزاده باقی می‌ماند. سپس همراه هنرمندان دیگر در سال ۹۲۸ق به تبریز سفر می‌کند و در تبریز در ۲۷ جمادی‌الاولی، فرمان کلانتری کتابخانه همایون را از شاه اسماعیل دریافت می‌نماید و ریاست کارگاه هنری کتابخانه سلطنتی صفویان را به عهده می‌گیرد. ... نکته‌ای که در این فرمان به چشم می‌خورد، شباهت کامل آن از نظر عبارت‌پردازی و کاربرد واژگان فنی با فرمان کلانتری کتابخانه سلطان حسین بایقراست و پیداست که هر دو فرمان از خامه نویسنده‌ای واحد تراویده است و این نویسنده کسی جز خواندمیر، مورخ دربار سلطان حسین بایقرا نبود. از آنجا او که مترسلی توانمند بود، شاه اسماعیل برای صدور فرامین همایونی از وجود او بهره جست (آژند، همان‌جا).

سپس عین فرمان را که پیش‌تر برای دربار سلطان حسین بایقرا آورده بود، مجدداً تکرار کرده و در انتهای آن عبارت «تحریراً فی ۲۷ جمادی‌الاولی سنه ۹۲۸» را آورده و مجدداً به «قزوینی (۱۳۳۲: ۲۶۸/۲-۲۷۳)» ارجاع داده است! آژند بعدها در اثر دو جلدی خود، با عنوان نگارگری ایران: پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران، همین مطالب را عیناً در صفحات ۳۷۱-۳۷۸ آورده است.^{۱۳}

۱۳. طی مکاتبه‌ای که نگارنده با دکتر آژند داشت، ایشان منبع خود را مقاله‌ای در مجله هنر و مردم اعلام کردند. تنها مقاله موجود در مجله هنر و مردم که متن فرمان بهزاد را آورده از آن رکن‌الدین همایون‌فخ در ۱۳۴۶ است که در ادامه به آن اشاره کرده‌ام.

در سال ۱۳۸۰ش مقاله‌ای از عارف عثمانوف و عبدالمجید محمّد رحیموف درباره بهزاد به طبع رسید که در آنجا نیز از صدور فرمان‌های مجزا در ۲۷ جمادی‌الاول ۸۸۹ق از طرف سلطان حسین بایقرا و در ۲۷ جمادی‌الاول ۹۲۸ق از طرف شاه اسماعیل برای بهزاد سخن رفته است (عثمانوف و رحیموف، ۱۳۸۰: ۸۹-۹۳). البته نویسندگان، هر دو متن را به نقل از کتاب لوحه‌هایی از مینیاتورها اثر ن. نارقلوف و ی. نظام‌الدینوف (۱۹۷۰م/۱۳۴۹ش)^{۱۴} از اصل ازبکی ترجمه کرده‌اند. متن فرمان ۹۲۸ق، همان متن همیشگی است که به واسطه ترجمه از ازبکی، واژه‌های آن کمی متفاوت شده‌اند. اما متن ۸۸۹ق، بسیار مختصر است و به این شکل ترجمه شده است:

به اراده مصور کارگاه ایجاد و آفرینش به قدرت محرر نگارخانه زمین و آسمان امر می‌فرمایم که نادر عصر، پیشوای مصوران استاد کمال‌الدین بهزاد بر اهل کتابخانه همایون: بر کاتبان، نقاشان، مذهبان، جدول‌کشان، حل‌کاران و به زرکوبان، همچنان تمام افراد تحت پناه ایزد که در سراسر کشور بر آن کارها مشغول‌اند به سمت رهبر تعیین گردد. تحریر شد سال ۸۸۹ هجری ۲۷ جمادی‌الاول (همان: ۹۰).

متن مشابهی با تاریخ ۸۸۹ق در سال ۱۳۴۶ش، در مجله هنر و مردم، در مقاله‌ای با عنوان «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران» از رکن‌الدین همایون‌فرخ آمده است. نویسنده اعلام می‌دارد که این متن به نقل از روضات‌الجنت است که آن نیز به نقل از نامه‌نامه‌ای بر اساس نسخه منحصر کتابخانه ملی پاریس است (همایون‌فرخ، ۱۳۴۶الف: ۴۰-۴۴) و در شماره بعدی مجله هنر و مردم، از سرپرستی کمال‌الدین بهزاد بر کتابخانه شاه اسماعیل سخن می‌گوید (همو، ۱۳۴۶ب: ۳۱-۴۵). می‌دانیم که در نسخه پاریس چنین متن مختصری با تاریخ ۸۸۹ق وجود ندارد، بلکه متن مفصل مشهور و تاریخ ۹۲۸ق آمده است (تصویر ۵). هم‌چنین مصحح روضات‌الجنت فی اوصاف مدینه هرات، تألیف معین‌الدین محمّد زمچی اسفزاری، در مقدمه‌های خود، دو متن مرتبط با «نشان کلاتری کتابخانه به اسم بهزاد» را آورده است. در مقدمه بر جلد اول می‌نویسد:

استاد کمال‌الدین بهزاد در سال ۹۲۸ه. به موجب فرمان همایون سلطان حسین میرزا بایقرا به سمت کلاتر (رئیس) کتابخانه سلطنتی هرات منصوب گردید، و متن این فرمان به قلم شیوای

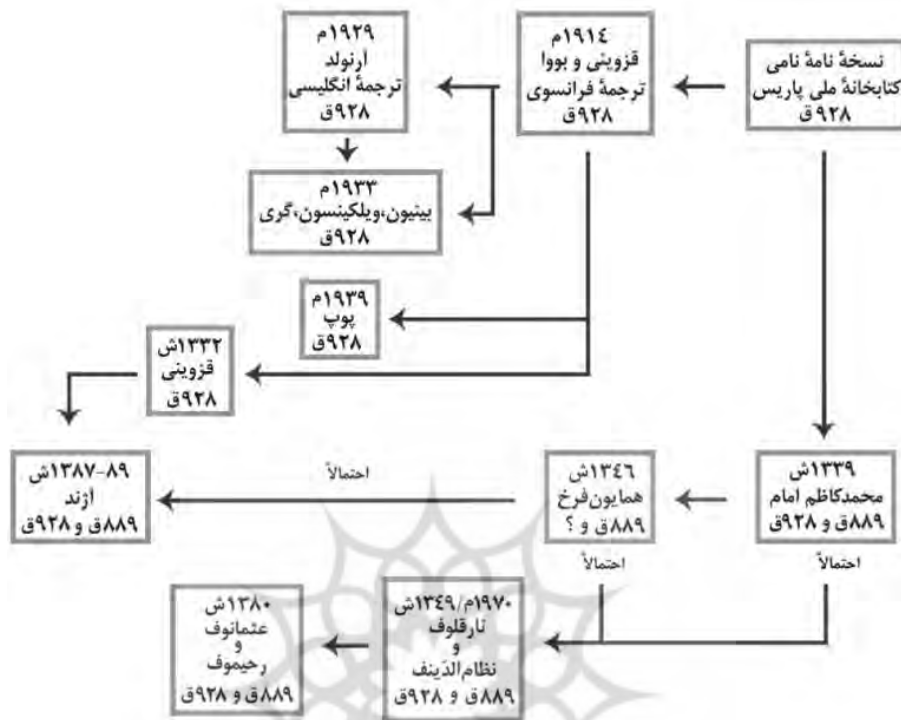
14. Norqulov N., Nizomitdinov I.

غیاث‌الدین میرخواند نوشته شده و نسخه آن عیناً در کتاب او موسوم به «نامه نامی» مندرج است. اینک قسمتی از آغاز و انجام آن: «نشان کلانتری کتابخانه هرات با اسم استاد کمال‌الدین بهزاد: چون ارادت مصور کارخانه ایجاد و تکوین و مشیت محرر نگارخانه آسمان و زمین... درین ولا نادرالعصر قدوه المصورین... استاد کمال‌الدین بهزاد... حکم فرمودیم که منصب استیفاء کلانتری مردم کتابخانه همایون و کاتبان و نقاشان و مذهبیان و جدول‌کشان و حل‌کاران و زرکوبان و سایر جماعتی که بامور مذکوره منسوب باشند در ممالک محروسه مفوض... بدو باشد... تحریراً فی ۲۷ جمادی‌الاولی سنه ۹۲۷هـ» (نامه نامی - نسخه کتابخانه ملی پاریس) ظاهراً این تاریخ درست نباشد و نسخ در آن تصرفاتی کرده‌اند و درست آن ظاهراً ۸۸۹هـ است (امام، ۱۳۳۹: ۶/۱؛ تأکید از نگارنده).

سواى تاریخ‌های متفاوتی که مصحح ذکر کرده و برداشت شخصی او از آن تواریخ، مقایسه این متن کوتاه‌شده با متنی که عثمانوف و رحیموف به‌عنوان نشان کلانتری بهزاد به نقل و ترجمه از نارقلوف و نظام‌الدینوف آورده‌اند، جالب‌توجه است. به نظر می‌رسد آن متن بر اساس همین مقدمه روضات الجنات است که بر اثر ترجمه از فارسی به ازبکی و سپس مجدداً به فارسی، واژه‌های آن تا حدی دستخوش تغییر شده‌اند.

مصحح در مقدمه جلد دوم، بار دیگر بهزاد را کلانتر کتابخانه سلطان حسین میرزا می‌نامد و «متن کامل نشان مزبور که بقلم شیوای خواندمیر صاحب حبیب‌السیر دبیر و منشی نامدار دربار سلطان حسین میرزا نگارش یافته» را به نقل از نامه نامی نسخه کتابخانه ملی پاریس می‌آورد و در انتهای آن «تحریراً فی ۲۷ جمادی‌الاولی سنه ۹۲۹» را ذکر می‌کند. این متن البته همان متن مفصل و مشهور است، اما تاریخ آن متفاوت از آنچه در نسخه پاریس درج شده، آمده است (همان: ۳۰/۲-۳۲).

بنابراین، طبق آنچه تا کنون بررسی شد، نه تنها با انبوهی از تناقضات و برداشت‌های شخصی در خصوص تاریخ نشان کلانتری بهزاد روبرو هستیم، بلکه عملاً در یک دور باطل نیز قرار گرفته‌ایم که همه متون با تواریخ متناقض خود، در نهایت به نسخه پاریس می‌رسند که به‌طور واضح، تاریخ تحریر ۲۷ جمادی‌الاولی سنه ۹۲۸ق را بر خود دارد و نه ۸۸۹ق، ۸۹۸ق، ۹۲۷ق و یا ۹۲۹ق را (نک. نمودار ۱ و تصاویر ۵، ۶، ۷ و ۸). سیر این تغییرات را در نمودار ۱ خلاصه کرده‌ایم.



نمودار ۱: سیر انتشار نشان کلاتری بهزاد و تاریخ‌های نقل شده در پژوهش‌ها

به نظر می‌رسد از ابتدا با دو پیش فرض و یا برداشت اشتباه روبرو هستیم که منجر به ارجاعات بعدی و تثبیت آن برداشت‌ها شده است:

۱. محمد قزوینی، بدون بررسی نسخ دیگر نامه نامی و صرفاً بر اساس نسخه کتابخانه ملی پاریس، در پاورقی گفته است که چون تاریخ انتهای فرمان سال ۹۲۸ ق است، پس مطمئناً در زمان شاه اسماعیل نوشته شده و بهزاد در این سال کلاتر کتابخانه شده است. در نتیجه، پژوهش‌های بعدی صدور این فرمان در این تاریخ و توسط شاه اسماعیل را قطعی دانسته‌اند. او هم چنین اضافه و تأکید می‌کند که «می‌دانیم در این سال خواندمیر در خدمت این پادشاه بوده است»!

۲. مصحح روضات الجنات، به نقل از نامه نامی نسخه پاریس، این نشان را متعلق به کتابخانه سلطان حسین میرزا و تاریخ را ۹۲۸ ق اعلام می‌کند و اسمی از شاه اسماعیل نمی‌برد.

به نظر می‌رسد او نیک می‌دانسته که سلطان حسین میرزا در ۹۱۱ق درگذشته است؛ بنابراین برای این‌که از رأی خود عدول نکند، اضافه می‌کند که احتمالاً نَسَاح اشتباه کرده‌اند و تاریخ صحیح ۸۸۹ق است! و در نتیجه از این زمان به بعد، تاریخ ۸۸۹ق و متنی منتسب به آن تاریخ، به پژوهش‌های بعدی راه پیدا کرد و صحبت از دو متن مجزاً در تاریخ‌های ۸۸۹ق و ۹۲۸ق (نک). نارقلوف و نظام‌الدینوف، ۱۹۷۰؛ عثمانوف و رحیموف، ۱۳۸۰؛ همایون‌فرخ، ۱۳۴۶) و سپس با گذر زمان یک متن واحد در دو تاریخ مذکور (نک. آژند، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹) شد. برداشت اشتباه پژوهشگران بعدی از دو متن نیز از آنجا ناشی می‌شود که مصحح روضات الجنات در مقدمه جلد اول کتاب «قسمتی از آغاز و انجام آن» را و در حقیقت خلاصه‌ای از متن نشان کلانتری را آورده و قصد داشته متن کامل آن را در مقدمه جلد دوم بیاورد که آورده است. بنابراین، محققان بعدی این خلاصه را به همراه تاریخ ۸۸۹ق که مصحح حدس زده، یک فرمان مجزا تلقی کرده‌اند و متن بعدی در مقدمه جلد دوم، با تاریخ ۹۲۸ق، را متن جداگانه دیگری محسوب کرده‌اند! و این در حالی است که در ۸۸۹ق، خواندمیر ۸ یا ۹ ساله بوده است.

به‌عنوان جمع‌بندی موقت از مباحث مطرح‌شده، می‌توان دو گزاره زیر را استنتاج کرد:

الف) تنها یک متن نشان کلانتری کتابخانه بهزاد وجود دارد؛

ب) نشان کلانتری کتابخانه بهزاد لزوماً توسط شاه اسماعیل و در ۹۲۸ق صادر نشده است. به این ترتیب، برای تعیین دربار و تاریخ صدور نشان کلانتری بهزاد، می‌توان به دو طریق عمل کرد: نخست، مطالعه مناسبات شاه اسماعیل، خواندمیر و بهزاد در متون معاصر آنان و دوم، پرداختن به دیگر نسخ نامه‌نامی و بررسی تاریخ نشان کلانتری بهزاد در آن‌ها.

شاه اسماعیل، خواندمیر و بهزاد

بر اساس زندگی‌نامه‌های معتبر سیاسی و دیوانی خواندمیر و از جمله مقدمه عالمانه عبدالحسین نوایی بر رجال حبیب‌السیر، هیچ‌گونه سندی دال بر ارتباط شاه اسماعیل و خواندمیر نیست (نک. همایی، ۱۳۸۰: ۳-۴۴؛ نوایی، ۱۳۷۹: به‌ویژه صفحات ۱۱-۳۰؛ فراهانی منفرد، ۱۳۸۱). هیچ یک از منابع تاریخی در زمان تسخیر هرات به دست اسماعیل اول در ۹۱۶ق، از پیوستن

خواندمیر به صفویان سخن نرانده‌اند. اگر او به صفویان پیوسته بود و تسخیر هرات توسط آنان را به چشم خود دیده بود، از حضور خود در آن رویداد و چگونگی برخورد صفویان با او در کتاب خویش (حبیب السیر) سخن می‌گفت، در صورتی که او نام خود را در زمره اکابر و اعیان هرات و استقبال‌کنندگان از اسماعیل صفوی ذکر نکرده است. با عنایت به خدمت مستمر و وفاداری خواندمیر به خاندان تیموری و کناره‌گیری وی از دولت صفوی که دلایل قابل قبولی هم داشته است^{۱۵} و در نهایت رهسپار شدن و پناه بردن به دربار هند، احتمال هر گونه ارتباط خواندمیر و شاه اسماعیل و به خدمت درآمدن وی در دربار این شاه در تبریز (مثلاً نک. قزوینی، ۱۹۱۴؛ آزند، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹)، بسیار ضعیف و بلکه منتفی است.^{۱۶} دلیل دیگر این است که خواندمیر در آثار خود به هیچ گونه ارتباطی با حکام صفوی یا هیچ اشتغالی در مقام منشی‌گری یا سمت‌های دیگر در دربار شاهان صفوی اشاره‌ای نکرده است. خواندمیر حبیب السیر را در ۹۳۰ ق و قبل از مرگ شاه اسماعیل به پایان رساند و بسیاری آثار خود را در سال‌های بعد، در قندهار و هند، بازنویسی کرد و در همه این‌ها مجالی برای اشاره به ارتباط خود با دربار شاه اسماعیل یا اشتغال در دربار صفویان وجود داشت، اما چنین اشاراتی در آثار او به چشم نمی‌خورد. بنابراین نوشتن نشان کلانتری بهزاد، به دستور شاه اسماعیل برای کتابخانه شاه، توسط خواندمیر بسیار نامحتمل است.

از طرف دیگر، هیچ کدام از منابع معاصر بهزاد و منابع بعدی که درباره او سخن گفته‌اند، اعم از خاتمه خلاصه الاخبار (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۴۲)، حبیب السیر (همو، ۱۳۸۰: ۳۶۲/۴)، تاریخ رشیدی (دوغلان، ۱۳۸۳: ۳۱۸)، دیباچه دوست محمد بر مرقع بهرام میرزا (تألیف ۹۵۱ ق، نقل از مایل هروی، ۱۳۷۲: ۲۷۲؛ نیز، نک. Thackston, 2001: 4-17) و گلستان هنر (قاضی احمد قمی، ۱۳۵۲: ۱۳۴) به کلانتری و ریاست کتابخانه بهزاد در هیچ

۱۵. خواندمیر مقام صدارت بدیع‌الزمان میرزا را داشت که مقامی مذهبی بود (برای اطلاع از اختیارات صدر، نک. مروارید کرمانی، ۱۳۹۸: ۴۵).

۱۶. تنها گزارش از ارتباط وی با صفویان حمایت حبیب‌الله ساوجی، وزیر دورمیش خان حاکم وقت هرات، از وی در نوشتن تاریخ حبیب السیر است. او هیچ سمت دیوانی نداشت.

دوره‌ای اشاره نکرده‌اند. جالب‌تر این‌که هیچ‌کدام ذکری از ارتباط بهزاد و شاه اسماعیل و دربار وی به میان نیاورده‌اند و حداکثر از ارتباط وی با دربارهای سلطان حسین و شاه تهماسب سخن گفته‌اند. در این میان، تنها مورّخی که به ارتباط شاه اسماعیل و بهزاد اشاره می‌کند، مصطفی عالی افندی، مورخ و سیاستمدار عثمانی در اواخر قرن دهم و اوایل یازدهم هجری است. وی در کتاب مناقب هنروران، آنجا که از شاه محمود نیشابوری می‌گوید، گزارش می‌دهد که شاه اسماعیل، پیش از جنگ چالدران، او و کمال‌الدین بهزاد را در غاری پنهان کرد (عالی افندی، ۱۳۶۹: ۶۵-۶۶).

سوچک^{۱۷} نسبت به این واقعه ابراز تردید می‌کند و می‌گوید این داستان را مصطفی عالی به این نیت ذکر کرده تا بگوید شاه اسماعیل پیشاپیش می‌دانست که شکست می‌خورد و برای همین آن دو را در غار مخفی کرده است. او اضافه می‌کند که عالی افندی در جایی دیگر، یعنی در بخش مصوّران، می‌گوید: «بهزاد... اوایل هنرش در زمان سلطان حسین بایقرا و اواخر حیاتش در روزگار شاه اسماعیل بن حیدر است» (همان: ۱۰۴) و به اشتغال وی در کتابخانه شاه تهماسب اشاره نمی‌کند. بدین لحاظ و بنا به دلایلی دیگر، سوچک توصیفات مصطفی عالی را مبهم و مغرضانه توصیف می‌کند (Soucek, 1989: 114-116).

نامه نامی

نامه نامی مشتمل بر یک مقدمه و نه سطر (فصل) است که سطر نهم آن در تحریر مناشیر و تتمیم در ذکر رباعیات و قطعات منظوم از خود مؤلف برای گنجاندن در مراسلات و معمائیات و ماده تاریخ‌هاست. از نامه نامی نسخه‌های متعددی موجود است که شش نسخه از آن‌ها در اختیار نگارنده بوده است.^{۱۸}

17. Priscilla Soucek.

۱۸. برای آگاهی از مشخصات نسخه‌شناختی نامه نامی، نک. دانش‌پژوه و افشار، ۱۳۴۸: ۵۳۱/۶ و ۶۷۹؛ دانش‌پژوه و افشار، ۱۳۵۳: ۳۰۴/۷؛ دانش‌پژوه، ۱۳۵۸: ۲۱/۹ و ۱۵۹؛ دانش‌پژوه و حاکمی، ۱۳۶۲: ج ۱۱-۸۷/۱۲؛ دانش‌پژوه و افشار، ۱۳۶۹: ۴۱-۴۷).

تاریخ صدور نشان یا تاریخ بازنویسی نشان؟

خواندمیر نامه نامی را چندین بار مورد تجدید نظر قرار داده و این در تغییر اعداد یا تواریخ موجود در نسخ آشکار است. مثلاً، در نسخی که با عبارت «بسمله، ای حمد تو دیباچه منشور کمال» آغاز می‌شوند، خواندمیر علت نوشتن کتاب و سن خود را ذکر کرده است. اما در هر بار تجدیدنظر، سنین عمر خود را بازمینی کرده است. در نسخه پاریس آمده: «تا غایتی که سنین عمر عزیز از حدود اربعین شش هفت تجاوز کرد» اما در نسخه ۹۶۶۷ مجلس این گونه آورده است: «تا غایت که عمر عزیز از حدود اربعین هفت هشت مرحله تجاوز کرده».

از سوی دیگر، تمام متون تاریخ‌دار در «سطر» نهم، یعنی در «تحریر مناشیر»، گنجانده شده‌اند. در این قسمت به طور متوسط ۲۴ منشور یا نشان آمده که بیش از نیمی از آن‌ها دارای تاریخ تحریر هستند و این تواریخ در نسخه‌های مختلف متفاوتند. در جدول ۱ این تواریخ‌ها در کنار هم قرار گرفته و امکان تطبیق به وجود آمده است. لازم به ذکر است که در جدول مذکور، هر فرمان که تاریخ ندارد با «ندارد» مشخص شده است و اگر آن فرمان در نسخه‌ای، بنا به هر دلیلی، وجود نداشته در جای آن خط تیره گذاشته شده است.

جدول ۱: تطبیق تاریخ نشان‌ها در نسخه‌های نامه نامی

تاریخ ثبت‌شده در نسخه		تاریخ ثبت‌شده در نسخه		تاریخ ثبت‌شده در نسخه		تاریخ ثبت‌شده در نسخه		عنوان نشان یا منشور
نسخه مجلس ۲۴۶۲ ۹۶۷	کتاب نامعلوم کتابت نامعلوم	نسخه پاریس ۱۸۴۳ کتابت ۱۰۳۰ ق	نسخه آستان قدس ۷۰۷۵ کتابت ۱۰۲۴ ق	نسخه کتابخانه ملکی ۱۲۹۷/۹۹ کتابت ۱۱۹۷/۹۹ ق	نسخه مجلس ۳۱۷ کتابت ۱۲۰۷ ق	نسخه مجلس ۳۱۷ کتابت ۱۲۰۷ ق	نسخه مجلس ۳۱۷ کتابت ۱۲۰۷ ق	
نسخه مینی ۲۴۶۲	نسخه مجلس ۹۶۷	کتابت ۱۰۳۰ ق	کتابت ۱۰۲۴ ق	کتابت ۱۲۹۷/۹۹ ق	کتابت ۱۲۰۷ ق	کتابت ۱۲۰۷ ق	کتابت ۱۲۰۷ ق	عنوان نشان یا منشور
کتابت ۱۰۲۳ ق	کتابت نامعلوم	کتابت ۱۰۳۰ ق	کتابت ۱۰۲۴ ق	کتابت ۱۲۹۷/۹۹ ق	کتابت ۱۲۰۷ ق	کتابت ۱۲۰۷ ق	کتابت ۱۲۰۷ ق	
فی غر شهر فلان	تحریر فی الثامن عشر بشهر جمادی الثانی	فی سنه ۹۲۸	فی سنه ۹۲۲	سایع عشرین شهر محرم الحرام سنه ۱۳	تحریر فی سایع عشرین شهر محرم الحرام سنه ۹۲۲	تحریر فی سایع عشرین شهر محرم الحرام سنه ۹۲۲	تحریر فی سایع عشرین شهر محرم الحرام سنه ۹۲۲	منشور امارت دیوان تواجی
فی تاریخ الثامن عشر من شهر محرم سنه ۹۲۲	فی سنه ۹۲۲	فی تاریخ الثامن عشر من شهر	فی تاریخ هودهم شهر	فی تاریخ الثامن و العشرين شهر محرم	فی تاریخ الثامن عشرین شهر محرم الحرام سنه ۹۲۲	فی تاریخ الثامن عشرین شهر محرم الحرام سنه ۹۲۲	فی تاریخ الثامن عشرین شهر محرم الحرام سنه ۹۲۲	فرمان امارت دیوان حال
نبارد	نبارد	فی تاریخ الثامن عشر من شهر جمادی الاول سنه ۹۲۸	فی تاریخ الثامن عشر من شهر جمادی الاول سنه ۹۲۷	فی تاریخ الثامن و عشرين شهر محرم الحرام	فی تاریخ الثامن و عشرين شهر محرم الحرام سنه ۹۲۲	فی تاریخ الثامن و عشرين شهر محرم الحرام سنه ۹۲۲	فی تاریخ الثامن و عشرين شهر محرم الحرام سنه ۹۲۲	نشان داروکی سید جلال‌الدین شاه اسکندر برای اللخود و لوالحق سنه ۹۲۲
فی سنه	تحریر فی شهر ربيع الآخر سنه ۹۲۳	تحریر فی ۱۸ جمادی الاول سنه ۹۲۸	تحریر فی ۸ شهر جمادی الاول سنه ۹۲۸	تحریر فی ۸ شهر جمادی الاول سنه ۹۲۸	نبارد	نبارد	نبارد	نشان داروکی شهر شاهي بسم پهلوان نظام‌الدین دوریش محمد
نبارد	تحریر فی سلاطین شهر ربيع الآخر سنه ۹۲۲	تحریر فی ۱۸ شهر جمادی الاول سنه ۹۲۸	فی تاریخ هودهم شهر جمادی الاول سنه ۹۲۸	فی تاریخ هودهم شهر جمادی الاول سنه ۹۲۸	تحریر فی سایع شهر ربیع الاول سنه ۹۲۲	تحریر فی سایع شهر ربیع الاول سنه ۹۲۲	تحریر فی سایع شهر ربیع الاول سنه ۹۲۲	نشان صدارت
نبارد	تحریر فی شهر جمادی الثانی سنه ۹۲۲	تحریر فی ۲۲ جمادی الاول سنه ۹۲۸	تحریر فی ۲۲ شهر جمادی الاول سنه ۹۲۸	تحریر فی ۲۲ شهر جمادی الاول سنه ۹۲۸	تحریر فی ۲۲ شهر جمادی الاول سنه ۹۲۸	تحریر فی ۲۲ شهر جمادی الاول سنه ۹۲۸	تحریر فی ۲۲ شهر جمادی الاول سنه ۹۲۸	منشور صدر الصدور
نبارد	نبارد	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۷۸)	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۷۸)	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۷۸)	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۷۸)	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۷۸)	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۷۸)	نشان صدارت مولانا جلال‌الدین بازید: قیوان خان و سکرار صدارت و مشرف مهر شاهي
نبارد	تحریر فی شهر جمادی الثانی	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۷۸)	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۷۸)	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۷۸)	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۷۸)	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۷۸)	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۷۸)	نشان منصوب وزارت
نبارد	تحریر فی سایع شهر جمادی الثانی	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول السنه	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول السنه	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول السنه	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول السنه	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول السنه	تحریر فی ۲۶ شهر جمادی الاول السنه	ایضا فی هذا المعنی

تاریخ ثبت شده در نسخه						
نسخه مجلس ۲۳۶۲	نسخه مجلس ۹۶۶۷	نسخه پارس ۱۸۴۲	نسخه آستان قدس ۷۰۷۵	نسخه کاجپناه ملک ۱۲۹۸/۹	نسخه مجلس ۲۱۷	صورتان نشان یا مشهور
نسخه منوی ۱۰۹۳	کتاب نامعلوم	کتاب ۱۰۳۰	کتاب ۱۰۲۴	کتاب ۱۲۹۸/۹	کتاب ۱۲۰۷	صورتان نشان یا مشهور
کتاب ۱۰۹۳	کتاب نامعلوم	ساک شهر سنه ۹۲۸	الشهر سنه ۹۲۸	کتاب ۱۲۹۸/۹	کتاب ۱۲۰۷	نشان مشهور مولانا عیادت الدین عبدالله
نبارد	---	---	---	---	---	نشان میر بحر
نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	مشهور هایت
نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نشان منصب شیخ الاسلامی
نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نشان منصب قضا
نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	فرمان قضای دارالملک دهلی
نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نشان قضا و ولایت شبرخان باسم مولانا تاج الدین مسعود و مولانا عبدالمعز
نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	فرمان منصب احتساب
نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نشان احتساب ترفیض سید شمس الدین محمد
نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نشان تدریس
نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	فرمان داروغگی کاجپناه مولانا شمس الدین محمد خوافی
نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	مشهور همداری
نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	نبارد	مشهور صاحب عباری

تصحیح یک اشتباه تاریخی: مطالعه‌ای در نشان کلانتری کتابخانه به اسم کمال‌الدین بهزاد / ۲۵

تاریخ ثبت شده در نسخه						
نسخه مجلس	نسخه آستان قدس	نسخه پارسی	نسخه مجلس	نسخه کتابخانه ملکه	نسخه مجلس	صوفیان نشان یا منشور
نسخه منبوی ۳۴۶۲	نسخه مجلس ۹۶۶۷	کتابت ۱۸۴۲	کتابت ۱۰۲۴ ق	کتابت ۱۲۹۸/۹۹	کتابت ۱۲۰۷ ق	نشان کلانتری کتابخانه همین نام استاد کمال‌الدین بهزاد
کتابت ۱۰۹۳ ق	کتابت نامعلوم ۹۶۶۷	کتابت ۱۰۳۰ ق	کتابت ۱۰۲۴ ق	کتابت ۱۲۹۸/۹۹ ق	کتابت ۱۲۰۷ ق	نشان کلانتری کتابخانه همین نام استاد کمال‌الدین بهزاد
ننارد	تحریراً تاریخ فلان روسته فلان	تحریراً فی ۲۷ جمادی الاولی سنه ۹۲۸	تحریراً فی ۲۷ جمادی الاولی سنه ۹۲۸	---	ننارد	نشان کلانتری کتابخانه همین نام استاد کمال‌الدین بهزاد
ننارد	تحریراً بتاریخ شهر فلان	تحریراً فی ۲۷ شهر جمادی الاولی سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۲۸)	تحریراً فی ۲۸ شهر جمادی الاولی سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۲۸)	---	تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنه ۹۲۷	نشان ترخان و تجار
ننارد	ننارد	تحریراً فی ۲۸ شهر جمادی الاولی سنه ۹۲۸	تحریراً فی ۲۷ شهر جمادی الاولی سنه ۹۲۸	---	سنه ۲۷	نشان ترخان و تجار کمال‌الدین الیاس حلیمی
---	تحریراً فی ثالث شهر جمادی الثانی	---	---	---	---	نشان شیخ الاسلامی
ننارد	ننارد	تحریراً فی ۲۸ شهر جمادی الاولی سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۲۸)	تحریراً فی ۲۸ شهر جمادی الاولی سنه شان و عشرین و تسعمائه (۹۲۸)	---	---	نشان کلانتری اصحاب قضاة و کمان‌داران و تبرستان
ننارد	تحریراً بتاریخ شهر جمادی الثانی	تحریراً فی سنه ۹۲۸	تحریراً فی سنه ۹۲۸	---	---	اینجا فی هذا المعنی
ننارد	ننارد	تحریراً فی ۲۸ شهر جمادی الاولی سنه ۹۲۸	تحریراً فی ۲۸ جمادی الاولی سنه شان و عشرین و تسعمائه من الهجرة (۹۲۸)	---	---	نشان کلانتری جماعه معمار، بنجار و اصحاب پیشه
ننارد	تحریراً سنه فلان	ننارد	ننارد	---	---	نشان کلانتری اهل سار و آواز نشان سبزوعلی یکی از اهل فضل و کمال
ننارد	ننارد	---	---	---	---	نشان سبزوعلی سید کمال‌الدین حسینی
ننارد	ننارد	---	---	---	---	نشان سبزوعلی امیر جلال‌الدین هاشم نقاشی
۳۲	۲۸	۲۵	۲۵	۱۵	۲۱	جمع فراموش
۲	۱۵	۲۳	۲۳	۳	۱۸	فراموشی تاریخ دار

همان‌گونه که از جدول ۱ مشخص است، در کتاب نامه نامی علاوه بر تغییر تاریخ‌ها، در هر بار بازنویسی، فرمان‌های بیشتری اضافه شده است.

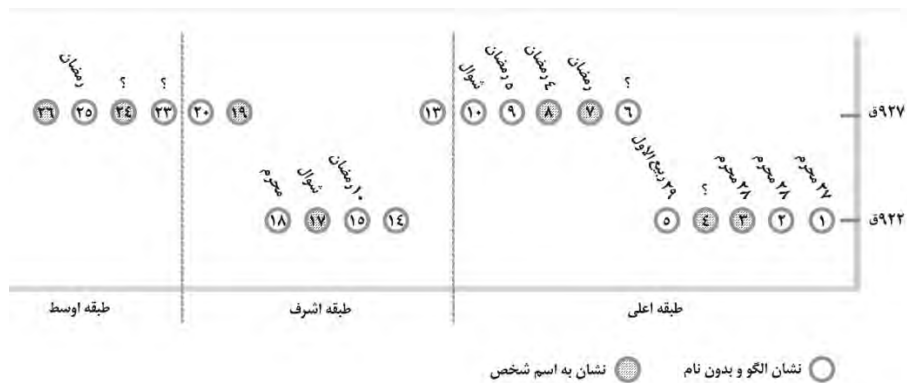
پرواضح است که اختلاف تواریخ در فرامین نسخ نشان می‌دهد که آن‌ها تاریخ صدور فرمان نیستند، بلکه تاریخی هستند که در زمان بازنویسی نامه نامی و در زمان نگارش کتاب نوشته شده‌اند و به عبارت دیگر تاریخ‌هایی مثالی هستند؛ مثلاً «نشان مناصب مولانا جلال‌الدین بایزید»، سه تاریخ تحریر رمضان ۹۲۷ق، سنه ۹۲۸ق و جمادی‌الثانی ۹۳۲ق را دارد. از طرف دیگر با بررسی تاریخ‌های نسخه پاریس متوجه می‌شویم که همه فرمان‌ها به‌طور متوالی از تاریخ ۱۸ تا ۲۸ جمادی‌الاول سال ۹۲۸ق تحریر شده‌اند. هم‌چنین فرامین نسخه ۹۶۶۷ مجلس نیز متوالیاً در ماه‌های ربیع‌الثانی تا جمادی‌الثانی سال ۹۳۲ق تحریر شده است. بنابراین تاریخ ۲۷ جمادی‌الاول سنه ۹۲۸ق برای نشان کلانتری بهزاد در نسخه پاریس در حقیقت تاریخی مثالی است و نه تاریخ صدور فرمان؛ و از آنجا که نشان کلانتری بهزاد در نسخه قبلی نیز، که تاریخ‌های ۹۲۲ق و ۹۲۷ق را دارد، آمده است، در نتیجه می‌توان گزاره اول در بالا را به قید قطعیت بیان کرد: نشان کلانتری کتابخانه بهزاد قطعاً در ۹۲۸ق صادر نشده است.

شاید این پرسش مطرح شود که اگر آن‌گونه که در بالا گفته شد و از جدول ۱ استنباط می‌شود، نسخه ۳۱۷ مجلس را نخستین تحریر اثر در نظر بگیریم، آن‌گاه به چه علت تاریخ‌های ثبت‌شده برای مناشیر در این نسخه را تاریخ صدور آن‌ها ندانیم؟ نخست آن‌که حتی اگر این‌ها تاریخ صدور فرمان‌ها باشند، در مورد نشان کلانتری بهزاد چیزی تغییر نمی‌کند، چراکه این نشان در این نسخه بدون تاریخ است. دوم آن‌که در این نسخه از ۲۱ فرمان فقط، هشت فرمان به اسم اشخاص است و مابقی به‌عنوان الگو و سرمشق نوشته شده‌اند و خطاب به شخص خاصی نیستند و بنابراین صحبت از تاریخ صدور آن‌ها بی‌مورد است. در نتیجه بحث بر سر هشت فرمان مشخص است که از آن میان دو فرمان نیز اصلاً تاریخ ندارند.

تواریخ شش فرمان باقی‌مانده نیز در امتداد منطقی تاریخ‌های فرامین بی‌نام قبل و بعد خود هستند که می‌توان نتیجه گرفت همه این‌ها تواریخ مثالی در لحظه تحریر نامه نامی است و نه تاریخ صدور فرمان‌ها (نک. نمودار ۲). از طرف دیگر، به نظر می‌رسد خواندمیر مدت‌ها در

تدارک تألیف کتاب راهنمای نگارش ترسّلات دیوانی بوده و به‌صورت پراکنده مطالب را می‌نوشته و زمانی که شروع به نگارش کتاب کرده، از فرامین رسمی صادرشده در گذشته، بخصوص در دوره تیموریان، نیز که به احتمال زیاد تألیف خود وی بوده، استفاده کرده و آن‌ها را به همراه فرامین الگو بر اساس سه طبقه اعلی، اشرف و اوسط تنظیم کرده است. اما دلایل دیگری وجود دارد که ما این فرامین و متون با نام و نشان گنجانده‌شده در نامه نامی را متعلق به دوره تیموریان بدانیم و آن این‌که در این اثر هیچ‌گونه اشاره‌ای به صفویان، دربار و یا قلمرو آن‌ها نیست و چندین شخصیت و مکان شناخته‌شده در فرمان‌ها، مربوط به قلمرو و دوره تیموریان به پایتختی هرات است،^{۱۹} در حالی که مدت‌ها پیش از تاریخ‌های مذکور در نخستین نسخه نامه نامی (۹۲۲ق و ۹۲۷ق)، سلسله تیموریان به پایان رسیده بود و نمی‌توانسته در این تاریخ‌ها برای آن اشخاص فرمانی صادر شده باشد. از طرف دیگر در این سال‌ها، یعنی ۹۲۲ تا ۹۲۷ق، خواندمیر هیچ‌گونه اشتغال دیوانی نداشته که به‌واسطه آن اجازه داشته باشد مناشیر یا فرامینی تألیف کند. آخرین مسئولیت دیوانی وی در هرات (به‌عنوان صدر و متولی اوقاف) پیش از ۹۱۳ق، یعنی در زمان بدیع‌الزمان میرزا، بوده است. در زمان خدمت خواندمیر به فرزند او محمدزمان میرزا (از ۹۲۰ تا ۹۲۳ق)، نیز اصلاً دربار و قدرتی وجود نداشته و هر دو در غرجهستان به سر می‌برده‌اند و هرات در کنترل صفویان بوده است. بدین ترتیب از آن‌جا که اشتغال دیوانی خواندمیر لازمه اجازه تألیف مناشیر یا فرامین دیوانی است، می‌توان نتیجه گرفت که تألیف و صدور نشان کلانتری کتابخانه کمال‌الدین بهزاد مربوط به دربار تیموریان است و به تاریخ پیش از ۹۱۳ق برمی‌گردد.

۱۹. برخی اسامی که در جدول آمده‌اند در منشآت عبدالله مروارید نیز ذکر شده‌اند، همانند پهلوان درویش محمد و جلال‌الدین بایزید. هم‌چنین در تتمیم نامه نامی در بخش ماده‌تاریخ‌ها، به تاریخ وقایعی چون تاریخ وفات امیرعلیشیر و تاریخ جلوس بدیع‌الزمان میرزا اشاره کرده است؛ این در حالی است که می‌توانست به تاریخ جلوس و درگذشت شاه اسماعیل و تاریخ فتح هرات توسط صفویان که وقایع مهمی بودند، اشاره کند. به‌علاوه خواندمیر از مکان‌هایی چون شبرغان، اندخود و ترشیز نام برده که مکرر در اسناد تیموری آمده‌اند اما از تبریز، قزوین یا دیگر شهرهای غرب ایران مطلقاً سخنی به میان نیاورده است.



نمودار ۲: ترتیب تاریخ فرمان‌های سطر نهم در نامه نامی نسخه ۳۱۷ مجلس

نتیجه

پژوهش حاضر به جهات مختلف نشان کلانتری کتابخانه کمال‌الدین بهزاد پرداخته است. این نشان در مجموعه منشآت خواندمیر با عنوان نامه نامی که در فاصله سال‌های ۹۲۵ق تا ۹۲۷ق نوشته شده، آمده است. با توجه به این که نخستین بار محمد قزوینی و بووا بر اساس نسخه ۱۸۴۲ کتابخانه ملی پاریس آن را منتشر کردند، لذا متن، تاریخ صدور آن (۹۲۸ق) و نسبت صدور آن به شاه اسماعیل، در تحقیقات بعدی در قرن بیستم و بیست و یکم به‌عنوان یک سند تاریخی، مسلم انگاشته شد و به مرور زمان، از دو متن متفاوت و گاه یک متن اما با دو تاریخ متفاوت منتسب به دربارهای تیموری و صفوی، سخن گفته شد. مطالعه روند انتشار نشان توسط پژوهشگران، معلوم کرد که تنها یک متن نشان کلانتری بهزاد وجود دارد، آن هم به نگارش خواندمیر. با بررسی زندگی خواندمیر در منابع مشخص شد که وی ارتباطی با شاه اسماعیل نداشته و در خدمت او نبوده است. بنابراین صدور این فرمان از سوی شاه اسماعیل بعید به نظر می‌رسد. به علاوه، گزارش مورخان معاصر درباره بهزاد نشان می‌دهد که به جز یک مورد که سندیت آن هم جای تردید است، به کلانتری بهزاد در دوره شاه اسماعیل یا حتی ارتباط آن دو اشاره‌ای نکرده‌اند. برای روشن شدن بیشتر مسئله، نسخه‌های مختلف نامه نامی مورد بررسی قرار گرفت و تاریخ فرامین در آنها مطابقت داده شد و مشخص گردید که خواندمیر نامه نامی را در سال‌های متعدّد بازبینی کرده و هر بار تاریخ فرمان‌ها را تغییر داده است؛ بنابراین، باید آن‌ها را

تاریخ زمانِ بازبینی نامه‌ی نامی در نظر گرفت و نه تاریخ صدور فرمان‌ها. از این‌رو، تاریخ ۹۲۸ ق قطعاً تاریخ صدور نشان بهزاد نیست. از طرف دیگر با عنایت به این‌که در نامه‌ی نامی، اشخاص و مکان‌های شناخته‌شده مرتبط با دربار تیموریان در هرات‌اند و هیچ‌گونه اشاره‌ای به صفویان و غرب ایران نداشته و خواندمیر نیز در این سال‌ها شغل دیوانی نداشته است، می‌توان صدور نشان کلانتری بهزاد را در زمان تیموریان و به دربار آنان نسبت داد. پس، می‌توان نتیجه گرفت که نشان کلانتری بهزاد فقط یک فرمان و دارای یک متن بوده که توسط خواندمیر قبل از ۹۱۳ ق در دربار تیموریان، نوشته و صادر شده است. با این حال، اثبات دقیق تاریخ صدور و هویت صادرکننده آن، اسناد و یافته‌های بیشتری را می‌طلبد.

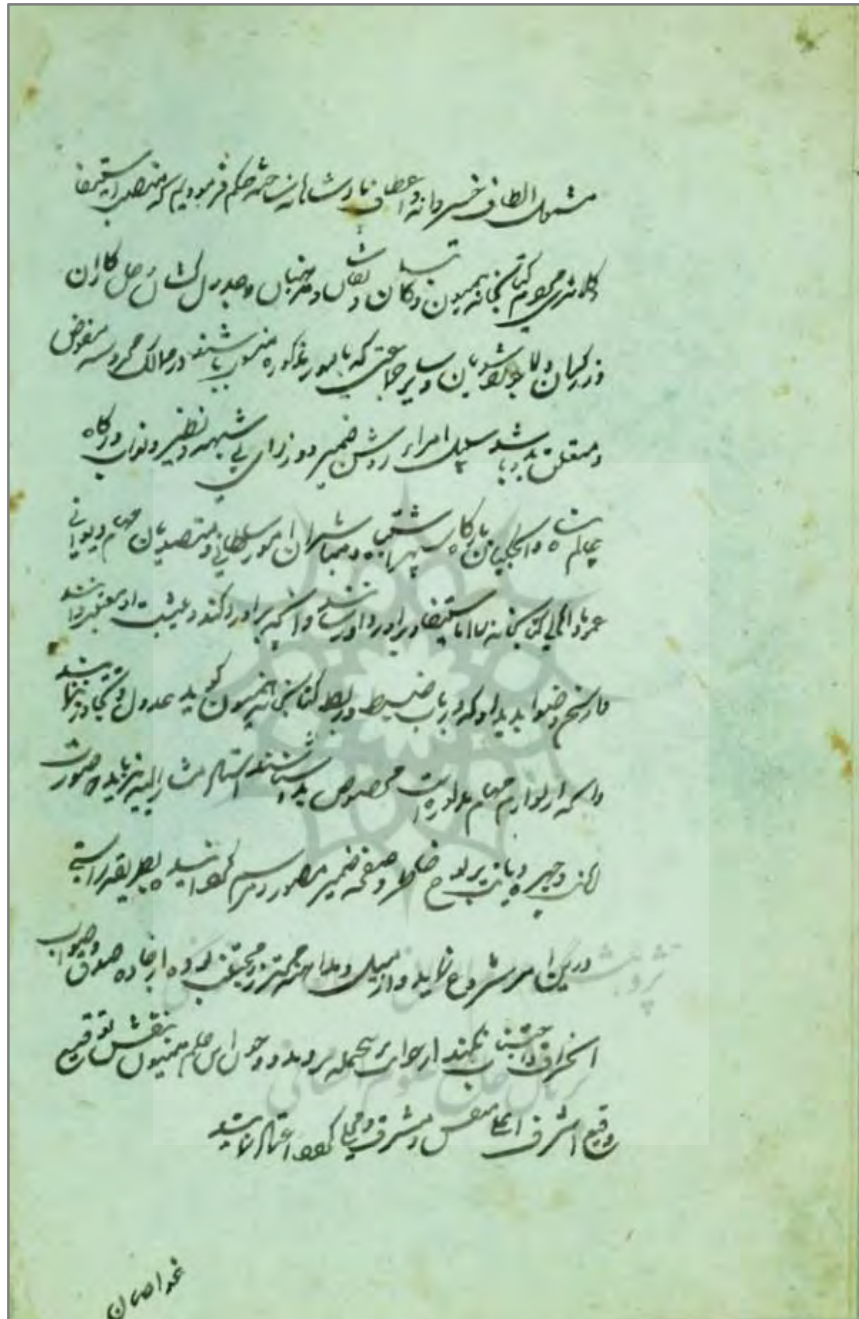


تصویر ۵: تاریخ ۲۷ جمادی‌الاولی سنه ۹۲۸ در انتهای فرمان کلانتری بهزاد در سطور ۷ و ۸ از گ ۳۰۸ ر، نامه‌ی نامی نسخه ۱۸۴۲ کتابخانه ملی پاریس

مانی نجل شده و از کل صورت آرایش لوح ارتکاب متعطل شده و چو ستم و در بر جبه فرمان واجب الامان نهاد
و پرکار مثال باپی در مرکز مدارت استبان خلاف استبان اینستوار کرده و شمول الطاف خیر و انزاعطاف پیش ناماز
پساخته حکم از خودم که منصف استیفا و کلانتری مردم کن تب غایب نمایون و کاتبان و نقاشان و در میان و جدول
کشان و جل کارانی و زر گو بیان و لاجورد شویان و پلایر جماعتی که با مکره میسوب چند در حال کج و پر مغز
تعلق بر و باشد پس امرا می روشین خیر و وزیرای بی شبهه و نظیر و نواب درگاه عالم و الکلیان بارگاه
استتباب و مبارزان امویان و مقصدان تمام دیوانی عمو و امانی کنایه نمایون و جماعت مذکور و خصوصاً آنکه
استمداد شارالبر متوفی و متعدد کلاتری و بیست کارهای کنایه را با استیفا و بر آورد و رسانند و آنچه بر آورد
کنند بهر نیت او متبر کنند و از سخن و صواب پیدا که در باب ضبط و ربط امور که در این کتاب
و بجای و نمایند و آنچه از لوازم امور مذکور است

ت از سر دور چشم بر دیده بطریق راستی دین امر شرح نماید و از این و در ادامه ممتز و مختصر بود
از جاده صدق و صواب الخراف و اجتناب بخت از جوانب بر خیزد و چون این حکم های فوق شش توضع
و توضع اشرف اعلی نفس و شرف و محلی کرده و اعتماد نماید و خبری را می نماید و در این کتاب
سبب نعت و همبانی و پس می جان پدای خلافت و کارانی از برادران سعادت قرین و فرزندان عدالت
این و امرا می صاحب رای سران و وزیرای کفایت نای مهم پرداز و سایر خدام عظیمه نمداری و تمامی
پدیده پسینه کامکاری بدانند که از جمله فرآید فواید که بمعاملات روز بازار مشافع آثار پرکار پناوشایی عاید شود
آینست که تجار و اصهار از اطراف انظار نمایان است و بلاد و دریا بار بر مطایر آمال بار کرده و محل شاق و
احتضار اجتماع نموده آنرا در نگاه سلسلین و افولین می رسانند و سود و سودی بر دوبر این آمدند

تصویر ۶: انتهای فرمان کلانتری بهزاد برگرفته از گ ۱۶۵ پ، نامه نامی نسخه ۷۰۷۵ آستان قدس



تصویر ۷: انتهای فرمان کلاتتری بهزاد
برگرفته از گ ۳۶۳ پ، نامه نامی نسخه ۳۱۷ مجلس

۱۲۵

و بعد از آن که در جبهه کارخانه از طرف باغیون برونه بموجو جرش را تعیین
مقرر داشته و نظروف و او را سایر ایشیا از زمین و زمین چه جهت میوات است فزاید
سازند چنانچه او بر آورده است و این کار کار و اوقات بسیار باید چاره
از و که هر یک بنا بر بر سلطنت میسر آورند نخست نزل کنیا از خواجش را بدین
انگولانی و قابل از آن عامه اند چون در این فرجه معجز نماید و بهر کس که از این
فرجه میسر افغان و زرگان و کفکان او را در معاملات خود صحت توفی که از
زیر اینها میسر شود از او بدین طرز و نقره و جواهر میبندند و فصل میسر
بموجب بدو کنند و فواید بسیار از اینها در جمیع امور وقت استی و گناه و ترس
ساخته فایده و از آن نقش زین و تیز و بر و در آن است و در اینها شش
مشک که از قبل یکبار از او آن و شمال است و استیاری و در آن
از آن شباهت در اینها است و از آن است و از آن است و از آن است
نکته در آن است و غیر آن است و در آن است و در آن است و در آن است
و در آن است و در آن است و در آن است و در آن است و در آن است
مستور کارخانه ای که در کوشش و شست و بشوید که در طبق کلیه و مستور که
فاحش مستور که نقش و وجه بمرات است و از نوع بشر در این مستور که در آن
بم قدرت است و مستور مستور تفصیل اوله است و بر سر برگه قات است
بمستور و فصلنامه علی که در متن خلقنا که هر که داد انامل که است او
اناجلناک خلیفتی الاصلی بر عینه صلوات الله علیه و آله و سلم

تصویر ۸: ابتدای فرمان کلاتری بهزاد برگرفته از گ ۲۵۰، نامه نامی نسخه ۹۶۶۷ مجلس

منابع

- امام، محمد کاظم (۱۳۳۹). مقدمه ← زمیچی اسفزاری.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۷). مکتب نگارگری هرات. تهران: فرهنگستان هنر.
- _____ (۱۳۸۹). نگارگری ایران: پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران، ج ۱. تهران: سمت.
- بینیون، لورنس؛ ج. و. س. ویلکینسون و بازیل گری (۱۳۷۸). سیر تاریخ نقاشی ایرانی. ترجمه محمد ایرانمنش. تهران: امیرکبیر.
- پارسای قدس، احد (۱۳۵۶). «سندی مربوط به فعالیت‌های هنری دوره تیموری در کتابخانه بایسنغری هرات». هنر و مردم، اردیبهشت، ش ۱۷۵: ۴۳-۵۰.
- پوپ، آرتور آپهام (۱۳۸۹). سیر و صور نقاشی ایران. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.
- دانش‌پژوه، محمدتقی و ایرج افشار (۱۳۴۸). نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۶. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۵۳). نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۷. تهران: دانشگاه تهران.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۸). نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۹. تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- دانش‌پژوه، محمدتقی و اسماعیل حاکمی (۱۳۶۲). نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۱ و ۱۲. تهران: دانشگاه تهران.
- دانش‌پژوه، محمدتقی و ایرج افشار (۱۳۶۹). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک[:]. مجموعه‌ها و جنگ‌ها، ج ۷. با همکاری محمدباقر حجّتی و احمد منزوی. تهران: هنر.
- دوغلات، محمدحیدر (۱۳۸۳). تاریخ رشیدی. تصحیح عباسقلی غفاری فرد. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- رعناحسینی، کرامت (۱۳۵۷). «منشور کلانتری خواجه نصیر مذهب». هنر و مردم، شهریور و مهر، ش ۱۹۱ و ۱۹۲: ۱۸-۱۹.
- زمیچی اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۳۹). روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات. تصحیح و مقدمه محمدکاظم امام، ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- عالی افندی، مصطفی (۱۳۶۹). مناقب هنروران. ترجمه توفیق ه سبحانی. تهران: سروش.
- عثمانوف، عارف و عبدالمجید محمد رحیموف (۱۳۸۰). «استاد کمال‌الدین بهزاد». فصلنامه هنر، ش ۴۸: ۸۹-۹۳.

- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۷۲). مآثر الملوک به ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون همایونی. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- _____ (۱۳۸۰). تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، ج ۴. تهران: کتابفروشی خیام.
- فراهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۱). «زندگی و تکاپوی سیاسی خواندمیر (صدر و متولی اوقاف)». وقف میراث جاویدان، بهار، ش ۳۷: ۶۳-۶۸.
- قزوینی، میرزا محمد (۱۳۳۲). بیست مقاله قزوینی، ج ۲. به کوشش ابراهیم پورداد. تهران: ابن‌سینا.
- _____ (۱۳۶۳). یادداشت‌های قزوینی، ج ۱۰. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات علمی-قمی، قاضی میراحمد منشی (۱۳۵۲). گلستان هنر. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲). کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مروارید کرمانی، عبدالله (۱۳۹۸). منشآت عبدالله مروارید. تصحیح اسراء السادات احمدی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- نظامی، نظام‌الدین عبدالواسع (۱۳۵۷). منشأ الانشاء، ج ۱. تألیف ابوالقاسم شهاب‌الدین احمد خوافی. تصحیح رکن‌الدین همایون‌فرخ. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۹). رجال کتاب حبیب‌السیر. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- همایون‌فرخ، رکن‌الدین (۱۳۴۶ الف). «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران». هنر و مردم، دی، ش ۶۳: ۴۰-۴۴.
- _____ (۱۳۴۶ ب). «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران». هنر و مردم. بهمن. ش ۶۴ و ۶۵: ۳۱-۴۵.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۰). مقدمه ← خواندمیر. *شماره ۶۸ آینه میراث و مطالعات فرهنگی*
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۸). منشآت. تصحیح ایرج افشار و محمدرضا ابوتی مهریزی. تهران: ثریا.
- Arnold, Thomas (1965). *Painting in Islam*, New York: Dover Publications Inc.
- Norqulov N., Nizomitdinov I. (1970). *Miniatura tarixidan lavhalar*, Tashkent.
- Qazwini, Mirza Mohammad and Bouvat, L. (1914). "Deux Documents Inédite Relatif à Behzād," *Revue Du Monde Musulman* Vol. XXVI, ed. Ernest Leroux, (Paris: March 1914): 146-161.
- Soucek, Priscilla (1989). "Kāmal-al-dīn Behzād," *Encyclopaedia Iranica*, Vol. IV, Fase 2: 114-116.
- Thackston, McIntosh Wheeler (2001), *Album Prefaces and Other Documents on the History of Calligraphers and Painters*, Leiden; Boston; Koln: Brill.